

Economic Approaches to Human Rights

Hossein Mahdi Hadi¹, Farahnaz Bahamin²

¹ Assistant Professor, Payam Noor University, Tehran, Iran (**Corresponding author**).
hhadi88@gmail.com

² Master of Law, Department of Law, Ur.C., Islamic Azad University, Tabriz, Iran.
f.bahamin.farah7@gmail.com

Abstract

The present study aims to examine the role of economic approaches to human rights in achieving good governance, political stability, and international security. This research is applied in terms of purpose and qualitative in nature, employing a descriptive–analytical method based on documentary and survey data. The findings indicate that, given the direct relationship between violations of economic human rights, poverty, and insecurity, attention to these approaches not only reduces human rights violations but also functions as a necessary precondition for attaining domestic and international stability. Poverty and inequality arising from the violation of economic human rights pose a serious threat to global peace and security—an issue that the United Nations Charter also underscores by emphasizing the responsibilities of states and international institutions in addressing these challenges. Improving the condition of economic human rights can reduce insecurity and strengthen good governance within a society. This improvement is among the most significant factors in reducing poverty and mitigating various forms of inequality, particularly economic inequality among individuals and social groups. Consideration of economic approaches to human rights, in addition to diminishing human rights violations, helps political leaders recognize that national stability, social calm, and the attainment of good governance are achievable through the realization of economic human rights.

Keywords: economic approach, human rights, inequality, poverty, development.

Cite this article: Mahdi Hadi, H. & Bahamin, F. (2025). Economic Approaches to Human Rights. *Journal of Philosophy of Law*, 4(2), p. 219-236. <https://doi.org/10.22081/phlq.2025.71570.1109>

Received: 2025-04-19 ; **Revised:** 2025-06-02 ; **Accepted:** 2025-06-26 ; **Published online:** 2025-12-24

©2025/authors retain the copyright and full publishing rights

Article type: Research Article

Publisher: Baqir al-Olum University



<https://phlq.bou.ac.ir/>

رهیافت‌های اقتصادی حقوق بشر

حسین مهدی هادی^۱، فرحناز بهامین^۲

^۱ استادیار، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، hhadi88@gmail.com

^۲ کارشناسی ارشد، گروه حقوق، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. f.bahamin.farah7@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش رهیافت‌های اقتصادی حقوق بشر در تحقق حکمرانی مطلوب، ثبات سیاسی و امنیت بین‌المللی می‌باشد. این پژوهش برحسب هدف، کاربردی و به لحاظ ماهیت کیفی، و با روش تحقیق توصیفی-تحلیلی انجام شده و مبتنی بر روش اسنادی-پیمایشی می‌باشد. نتایج نشان داد که، با تأکید بر ارتباط مستقیم میان نقض حقوق اقتصادی بشر و فقر و ناامنی، استدلال می‌شود که توجه به این رهیافت‌ها نه تنها نقض حقوق بشر را کاهش می‌دهد، بلکه به عنوان پیش شرطی ضروری برای دستیابی به ثبات داخلی و بین‌المللی عمل می‌کند. فقر و نابرابری ناشی از نقض حقوق اقتصادی بشر، تهدیدی جدی برای صلح و امنیت جهانی محسوب می‌شود؛ چنانکه منشور ملل متحد نیز بر مسئولیت دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی در مقابله با این چالش‌ها تأکید دارد. بهبود وضعیت حقوق اقتصادی بشر می‌تواند به کاهش ناامنی و تقویت حکمرانی مطلوب در سطح یک جامعه بینجامد که همین امر خود از مهم‌ترین عوامل کاهش فقر و کاهش سطوح نابرابری‌های چندگانه خصوصاً اقتصادی در جامعه و بین افراد و طبقات می‌باشد. توجه به رهیافت‌های اقتصادی حقوق بشر علاوه بر تاثیر کاهش نقض حقوق بشر، حاکمان سیاسی کشورها را متوجه این مسأله می‌کند که برقراری ثبات و آرامش کشور و دستیابی به حکمرانی مطلوب از رهگذر رهیافت‌های اقتصادی حقوق بشر قابل دستیابی است.

کلیدواژه‌ها: رهیافت اقتصادی، حقوق بشر، نابرابری، فقر، توسعه.

استاد به این مقاله: مهدی هادی، حسین بهامین، فرحناز (۱۴۰۴). رهیافت‌های اقتصادی حقوق بشر. *فلسفه حقوق*، ۴(۲)، ص ۲۱۹-۲۳۶.
<https://doi.org/10.22081/phlq.2025.71570.1109>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۳۰؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۳/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۵؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۳/۰۳
۱۴۰۴ © نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند. نوع مقاله: پژوهشی. ناشر: دانشگاه باقرالعلوم (ع)



۱. مقدمه

نقش اقتصاد نه تنها در حقوق بشر، بلکه در تمامی امور اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و...، یک نقش اساسی و غیرقابل انکار است. بشر از ماده «آب و خاك» آفریده شده و به لحاظ حیات مادی و نیازهای مادی که دارد، دارای حقوقی ذاتی و طبیعی است. بشر برای رفع نیازهای مادی، به طور مستقیم نیازمند عوامل برطرف کننده آن یعنی حقوق مادی و اقتصادی است. حتی کیفیت نحوه برخورداری بشر از این حقوق، کیفیت سطح زندگی فردی و اجتماعی او را تحت تاثیر قرار می‌دهد. با مفروض بودن این امر، واضح است که بی‌عدالتی‌ها و نابسامانی‌های اقتصادی، حاصل نقض حقوق اقتصادی بشر است. با این اوصاف، تاثیر امور اقتصادی در حقوق بشر جزو بدیهیات خواهد بود. با یک نگاه ساده می‌توان فهمید که فقر و بی‌عدالتی اقتصادی نتیجه نقض حقوق اولیه اقتصادی بشر می‌باشد. آشوب، اغتشاش و جنگ‌های داخلی و احياناً مخاصمات مسلحانه بین‌المللی، پیامدهای مستقیم تبعیض، فقر و بی‌عدالتی است. توجه به رهیافت‌های اقتصادی حقوق بشر، علاوه بر تاثیر کاهشی نقض حقوق بشر، حاکمان سیاسی کشورها را متوجه این مسأله می‌کند که برقراری ثبات و آرامش کشور و دستیابی به حکمرانی مطلوب که وظیفه هر حاکمیتی است، در وهله اول از رهگذر توجه کافی به رهیافت‌های اقتصادی حقوق بشر قابل دستیابی است. بین ناامنی و فقر یک رابطه مستقیم برقرار است. هرچه افراد از لحاظ حقوق اقتصادی از استانداردهای لازم دورتر و فقیرتر باشند، جنگ، آشوب و تجاوز داخلی و بین‌المللی بیشتر خواهد بود. پدیده جنگ به عنوان یک تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی، کاملاً متأثر از نقض حقوق اقتصادی بشر است و رابطه مستقیمی با صلح و امنیت بین‌المللی دارد و باید بیشتر مورد توجه دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، به ویژه سازمان ملل و شورای امنیت باشد. با این وجود در مورد مباحث اقتصادی حقوق بشر، خواسته یا ناخواسته، خیلی توجه نشده است و به نظر می‌رسد که در این خصوص باید از طریق تحقیق و پژوهش بیشتر و با غنی‌سازی علمی، این نقصان برطرف گردد. پژوهش حاضر گامی کوچک در این راستا است. این موضوع مشکل عمده و اساسی بشریت در این دوره بوده و با رها بودن حاکمیت‌ها و عاملان اقتصادی و سرمایه‌داران بزرگ بین‌المللی به آن افزوده می‌شود، و از سوی اندیشمندان و حقوقدانان هم به آن کم توجهی شده و به نظر می‌رسد که یک خلاء عظیم حقوقی و علمی در این خصوص وجود دارد. از این جهت، پرداختن به رهیافت‌های اقتصادی و ارائه راه‌حل‌های بین‌المللی لازم برای بهبود وضعیت اقتصادی و رفع فقر در سطح جهانی و داخلی، در حد یک فریضه برای اندیشمندان است. براساس بند (۱) ماده (۱) منشور ملل متحد، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، اولین هدف تأسیس سازمان ملل متحد عنوان شده است. مطابق رویه و عملکردی که از مجمع عمومی و شورای امنیت ملل متحد برای تحقق این هدف به دست می‌آید، برجسته شدن تمرکز این دو رکن اصلی سازمان ملل بر تهدید، تجاوز و مخاصمات مسلحانه نمایان است. هرچند تشکیل شورای اقتصادی

اجتماعی (اکوسوک) به عنوان یکی از شش رکن اصلی سازمان ملل یا تصویب میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در مجمع عمومی، حرکت به سمت رهیافت‌های اقتصادی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و حقوق بشر بود، اما این حرکت بسیار ناکافی و ناکارآمد بود.

۲. اهمیت و ضرورت تحقیق

حقوق بشر، به‌ویژه حقوق اقتصادی، نقش اساسی در تعیین کیفیت زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها ایفا می‌کند. از آنجا که انسان ذاتاً موجودی مادی است و نیازهای اقتصادی بخش جدایی‌ناپذیر حیات او محسوب می‌شود، نقض این حقوق پیامدهای گسترده‌ای در ابعاد سیاسی، اجتماعی و بین‌المللی به دنبال دارد. فقر، نابرابری اقتصادی و محرومیت از حداقل‌های معیشتی، نه تنها موجب ناآرامی‌های اجتماعی می‌شود، بلکه می‌تواند به بروز بحران‌های امنیتی، درگیری‌های داخلی و حتی مخاصمات بین‌المللی بینجامد. تحقیقات نشان می‌دهد که بین ناامنی و فقر رابطه مستقیمی وجود دارد؛ هرچه سطح محرومیت اقتصادی افزایش یابد، احتمال بروز خشونت، جنگ و نقض صلح بین‌المللی نیز بیشتر می‌شود. با این حال، علی‌رغم اهمیت این موضوع، نظام حقوق بین‌الملل و نهادهای جهانی از جمله سازمان ملل متحد، نتوانسته‌اند به‌طور مؤثر به رهیافت‌های اقتصادی حقوق بشر پردازند. اگرچه اسنادی همچون میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و تشکیل شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد^۱ گام‌هایی در این جهت بوده‌اند، اما این اقدامات ناکافی و فاقد ضمانت اجرای مؤثر بوده است. با توجه به خلأ موجود در ادبیات حقوقی و سیاستگذاری‌های بین‌المللی در زمینه ارتباط حقوق اقتصادی بشر با صلح و امنیت جهانی، این پژوهش بر آن است تا با بررسی رهیافت‌های اقتصادی حقوق بشر، راهکارهایی برای کاهش نابرابری‌ها و تقویت ثبات بین‌المللی نشان دهد. پرسش اصلی این است که چگونه نقض حقوق اقتصادی بشر می‌تواند تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی باشد؟ و نقش نهادهای بین‌المللی به‌ویژه سازمان ملل متحد در پیشگیری از این تهدیدات چیست؟

۳. پیشینه تحقیق

رهیافت‌های اقتصادی به حقوق بشر، به بررسی ارتباط میان نظام‌های اقتصادی، سیاست‌های توسعه و تحقق حقوق بشر می‌پردازند. این حوزه مطالعاتی نشان می‌دهد که چگونه نابرابری‌های اقتصادی، فقر، و سیاست‌های مالی بر توانایی افراد در بهره‌مندی از حقوق اساسی خود تأثیر می‌گذارند.

جدول ۱- پیشینه مطالعاتی- تجربی تحقیق

قلمرو	محقق (یا سازمان) / نهاد / سال	موضوع (عنوان)	شرح
حقوق بشر و توسعه اقتصادی	سن ^۱ (۱۹۹۹)	توسعه به‌مثابه آزادی	توسعه اقتصادی واقعی تنها زمانی محقق می‌شود که حقوق اساسی بشر، از جمله دسترسی به آموزش، بهداشت و مشارکت سیاسی، تضمین شود. این پژوهش بر نقش آزادی‌های اقتصادی و اجتماعی در پیشرفت جامعه تأکید دارد.
	آلستون ^۲ (۲۰۰۵)	حقوق بشر و فقر شدید	آلستون در گزارش‌های خود به عنوان گزارشگر ویژه حقوق بشر (۲۰۱۵-۲۰۲۰) نشان داد که سیاست‌های نئولیبرالی و کاهش هزینه‌های اجتماعی دولت، نقض حقوق اقتصادی و اجتماعی افشار ضعیف را تشدید می‌کند.
نئولیبرالیسم و حقوق بشر	کلاین ^۳ (۲۰۰۷)	دکترین شوک	این اثر به تحلیل تأثیر سیاست‌های نئولیبرالی بر نقض حقوق بشر در کشورهای در حال توسعه پرداخته و نشان می‌دهد که خصوصی‌سازی‌های افراطی و حذف یارانه‌ها، حقوق اساسی مانند دسترسی به آب و بهداشت را تحت تأثیر قرار می‌دهد.
	میلانویچ ^۴ (۲۰۱۶)	نابرابری جهانی	رشد نابرابری درآمدی در نظام سرمایه‌داری معاصر، چالشی اساسی برای تحقق حقوق بشر، به‌ویژه در جوامع فقیر است.
تأثیر فقر بر حقوق بشر	بانک جهانی (۲۰۱۸)	فقر و حقوق بشر	فقر نه تنها نتیجه نقض حقوق اقتصادی است، بلکه خود مانعی برای دسترسی به عدالت و مشارکت سیاسی محسوب می‌شود.
	دیده‌بان حقوق بشر (۲۰۲۰)	تأثیر همه‌گیری کووید ۱۹ بر حقوق کارگران فقیر	دیده‌بان حقوق بشر (۲۰۲۰) در گزارشی درباره تأثیر همه‌گیری کووید-۱۹ بر حقوق کارگران فقیر، به افزایش نقض حقوق کار در غیاب حمایت‌های دولتی اشاره دارد.
جهانی‌سازی و حقوق بشر	استیگلیتز ^۵ (۲۰۰۲)	جهانی‌سازی و نارضایتی‌های آن	نهادهای مالی بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول، با تحمیل سیاست‌های ریاضتی، حقوق اقتصادی مردم کشورهای در حال توسعه را نقض می‌کند.
	تحقیقات سازمان بین‌المللی کار (۲۰۲۱)	ILO	قوانین ناعادلانه تجارت جهانی، حقوق کارگران در کشورهای جنوب جهانی را تضعیف کرده است.
اجتماعی و حقوق بشر	ملل (۲۰۱۱)	اقتصاد سبز	مدل‌های توسعه پایدار می‌توانند همزمان با رشد اقتصادی، حقوق محیط زیستی و اجتماعی افراد را تضمین کنند.
	جنبش حقوق بشر و اقتصاد ^۶	سازمان‌های جامعه مدنی	جنبش حقوق بشر و اقتصاد که توسط سازمان‌های جامعه مدنی مانند CESR حمایت می‌شود، بر لزوم نظارت بر سیاست‌های مالی دولت‌ها از منظر حقوق بشر تأکید دارد.

1. Sen

2. Alston

3. Klein

4. Milanovic

5. Stiglitz

6. Human Rights & Economy

قلمرو	محقق (یا سازمان) / نهاد / سال	موضوع (عنوان)	شرح
شاخص‌های حقوق بشری	فوکودا- پار ^۱ و دیگران (۲۰۰۸)	شاخصهای حقوق اقتصادی- اجتماعی	شاخص‌های حقوق اقتصادی- اجتماعی توسط ساکیکو فوکودا- پار و همکاران طراحی شد، تا عملکرد دولت‌ها در تحقق حقوقی مانند غذا، مسکن و آموزش را اندازه‌گیری کند.
بحران اقتصادی (تحریم)	زبردست (۱۴۰۲)	تحلیل و بررسی تحریم‌های بین‌المللی و آسیب‌های آن بر حقوق بشر	یکی از بدترین نوع تحریم که تاثیر مستقیمی روی حقوق بشر می‌گذارد، تحریم تجاری یا کالایی می‌باشد که فشار آن روی اقتصاد و مردم یک جامعه است و رفاه و آرامش آنها را سلب می‌نماید. حتی تحریم‌های اقتصادی باعث می‌شود کشورها دست به تجارت آزاد بزنند که این چالش به سازمان تجارت جهانی نیز آسیب‌های جدی وارد می‌کند. تحریم‌ها فاصله زیادی بین طبقات یک جامعه می‌گذارد و آن را به دو طبقه خیلی ضعیف (فقیر) و خیلی ثروتمند تقسیم می‌کند که بحران نامطلوبی است.
نابرابری	عباسی و سرخیل (۱۳۹۵)	بازخوانی حقوق بشر از منظر نابرابری‌های اجتماعی- اقتصادی؛ رویکرد فرهنگی	چنانچه حقوق بشر بین‌المللی در قاب تصویری نقش بند، ظاهر ناموزونی ارائه می‌شود که عدم تناسب وجهه برجسته سیاسی آن بر دیگر اجزای نهی‌ش، تصویر کاریکاتور رنجوری را نمایان خواهد ساخت. این درحالی است که سنگ‌بنای حقوق بشر معاصر بر اساس رفع نابرابری‌ها و آلام اجتماعی- اقتصادی گسترده‌ای شکل گرفته که در پی جنگ‌های جهانی و تعارضات بین‌المللی پس از آن به یک معضل پایدار بین‌المللی مبدل شده است. بنابراین، سوال اصلی پژوهش این است که: هنجارهای حقوق بشری چه نقشی در رفع نابرابری‌های اجتماعی- اقتصادی دارند؟ در این پژوهش در چارچوب نظریه مکتب انتقادی که از دو ویژگی مهم، یعنی تبیین ناکارآمدی «وضعیت موجود» با هدف دستیابی به «وضعیت مطلوب» و همچنین اهتمام آن به مقولات بین‌ذهنی بهره می‌برد، تلاش شده تا این جنبه از حقوق بشر بررسی شود.

بررسی پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که بسیاری از تحقیقات موجود، بر کشورهای توسعه‌یافته متمرکز هستند، در حالی که اثرات سیاست‌های اقتصادی بر حقوق بشر در کشورهای در حال توسعه، نیاز به مطالعه بیشتر دارد. نقش شرکت‌های فراملیتی در نقض حقوق اقتصادی کارگران و محیط زیست هنوز به اندازه کافی بررسی نشده است. پژوهش‌های آینده می‌توانند به مدل‌های اقتصادی جایگزین مانند اقتصاد مشارکتی یا اقتصاد مبتنی بر حقوق بشر پردازند.

۴. چارچوب نظری رهیافت‌های اقتصادی حقوق بشر

رهیافت‌های اقتصادی به حقوق بشر با استفاده از ابزارهای تحلیلی اقتصاد، به بررسی تأثیر سیاست‌های اقتصادی بر حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می‌پردازند. این چارچوب نظری بر سه محور

1. Fukuda-Parr

اصلی استوار است: حقوق بشر به‌مثابه کالای عمومی، تحلیل هزینه-فایده در تضمین حقوق بشر، و نقش نهادهای اقتصادی در ترویج یا نقض حقوق بشر.

♦ **حقوق بشر به‌مثابه کالای عمومی:** از دیدگاه اقتصاد کلان، حقوق بشر دارای ویژگی‌های کالای عمومی است؛ به این معنا که غیرقابل استثناء^۱ و غیررقابتی^۲ است. هنگامی که حقوق بشر در جامعه‌ای تأمین شد، همه افراد از آن بهره‌مند می‌شوند، بدون اینکه امکان محروم کردن عمدی افراد وجود داشته باشد (Sen, 1999). با این حال، مشکل «سواری معجانی»^۳ ممکن است باعث شود که برخی دولت‌ها یا نهادهای بین‌المللی، از هزینه کردن برای تحقق حقوق بشر خودداری کنند. اینجاست که نقش نهادهای فراملی مانند سازمان ملل متحد در ایجاد انگیزه برای تولید این «کالای عمومی» پررنگ می‌شود (Kaul & et al., 2003).

♦ **تحلیل هزینه-فایده در تضمین حقوق بشر:** رهیافت اقتصادی دیگر، تحلیل هزینه-فایده^۴ در اجرای حقوق بشر است. برخی دولت‌ها ممکن است با این توجیه که تأمین حقوق اقتصادی-اجتماعی (مانند آموزش و بهداشت) هزینه‌بر است، از اجرای کامل آن سرباز زنند. اما مطالعات نشان داده‌اند که سرمایه‌گذاری در حقوق بشر در بلندمدت منجر به رشد اقتصادی پایدار می‌شود. به عنوان مثال، بهبود دسترسی به آموزش (حق بشری) باعث افزایش بهره‌وری نیروی کار و در نتیجه رشد تولید ناخالص داخلی می‌شود (Becker, 1964). همچنین، رعایت حقوق سیاسی و مدنی (مانند آزادی بیان) می‌تواند با کاهش فساد و افزایش کارایی نهادهای حکمرانی به توسعه اقتصادی بینجامد (Acemoglu & Robinson, 2012).

♦ **نقش نهادهای اقتصادی در نقض یا ترویج حقوق بشر:** ساختارهای اقتصادی و نهادهای بازار می‌توانند هم زمینه‌ساز نقض حقوق بشر باشند و هم ابزاری برای تحقق آن. از یک‌سو، نظام سرمایه‌داری بی‌قید و شرط ممکن است با تمرکز بر سود حداکثری، حقوق کارگران یا محیط زیست را نادیده بگیرد (Stiglitz, 2012). از سوی دیگر، اقتصاد اجتماعی بازار^۵ یا مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها^۶ نمونه‌هایی از تلاش برای تلفیق اصول حقوق بشری با فعالیت‌های اقتصادی هستند. بانک جهانی و صندوق بین‌المللی

1. Nonexcludable

2. Nonrivalrous

3. Free-rider problem

۴. این اصطلاح در ادبیات اقتصادی و علوم اجتماعی به شرایطی اشاره دارد که برخی افراد یا گروه‌ها از مزایای یک کالای عمومی یا منابع مشترک بهره‌مند می‌شوند، بدون اینکه در تأمین یا حفظ آن مشارکت یا هزینه‌ای متقبل شوند. این مفهوم به ویژه در مباحث مربوط به کالاهای عمومی (Public Goods)، عمل جمعی (Collective Action)، و اقتصاد رفاه (Welfare Economics) کاربرد دارد.

5. Cost-Benefit Analysis

6. Social Market Economy

7. CSR

پول نیز در سال‌های اخیر شرط رعایت حقوق بشر را در اعطای وام‌ها گنجانده‌اند که نشان‌دهنده تعامل روزافزون اقتصاد و حقوق بشر است (Alston, 2005). به عنوان جمع‌بندی از چارچوب نظری رهیافت‌های اقتصادی حقوق بشر می‌توان گفت که، رهیافت‌های اقتصادی به حقوق بشر نشان می‌دهند که تأمین حقوق بشر نه تنها یک تعهد اخلاقی، بلکه یک ضرورت اقتصادی است. درک این چارچوب نظری، به سیاستگذاران کمک می‌کند تا با ادغام اصول حقوق بشری در برنامه‌های توسعه، هم به عدالت اجتماعی و هم به رشد اقتصادی پایدار دست یابند. در نظریه‌های اقتصادی کلاسیک و نئولیبرال، تمرکز اصلی بر کارایی بازار و حداقل مداخله دولت است. با این حال، منتقدان استدلال می‌کنند که این رویکرد می‌تواند به نابرابری‌های گسترده و نقض حقوق اقتصادی-اجتماعی مانند حق دسترسی به مسکن، آموزش و بهداشت منجر شود (Stiglitz, 2012). در ایران نیز سیاست‌های تعدیل اقتصادی در دهه‌های گذشته با افزایش شکاف طبقاتی همراه بوده است (رضایی، ۱۳۹۸). رهیافت‌های توسعه‌ای مانند نظریه «توسعه انسانی» آمارتیا سن (۱۹۹۹) بر ارتباط میان رشد اقتصادی و توانمندسازی افراد تأکید دارند. سن معتقد است که آزادی‌های اقتصادی و اجتماعی پیش شرط تحقق حقوق بشر هستند. برنامه‌های توسعه‌ای که بر کاهش فقر و عدالت اجتماعی تمرکز دارند، مانند اهداف توسعه پایدار، نمونه‌هایی از این رهیافت هستند. نهادگرایان اقتصادی مانند داگلاس نورث^۱ (۱۹۹۰) نیز بر نقش نهادهای سیاسی و اقتصادی در تضمین حقوق بشر تأکید می‌کنند. به باور آنان، حکمرانی خوب، شفافیت، و مبارزه با فساد، برای تحقق حقوق اقتصادی-اجتماعی ضروری است.

۵. بحث

۵-۱. تحریم یک رهیافت اقتصادی

امروزه به دلیل روشن شدن اهمیت رهیافت‌های اقتصادی، از آن به عنوان یکی از مکانیسم‌های ضمانت اجرایی در حقوق بین‌الملل استفاده می‌شود. تحریم شورای امنیت برای تحت فشار قرار دادن کشور خاطی برای ترک رفتار متخلفانه بین‌المللی، معمول‌ترین شیوه‌ای است که به کار می‌رود. شاید بتوان تحریم را یک رهیافت اقتصادی برای لازم‌الاجرا دانستن قواعد بین‌المللی دانست. در مواقع نقض حقوق بشر از سوی یک کشور، شورای امنیت بارها اقدام به تحریم اقتصادی آن کشور کرده است. البته مبرهن است که استفاده از این مکانیسم، برای اعمال فشار به منظور رعایت حقوق بشر و رعایت سایر قواعد حقوق بین‌الملل، ایرادات زیادی دارد و سیاسی شدن استفاده از تحریم و اعمال تحریم برای دنبال کردن منافع یک یا چند کشور خاص، از جمله ایرادات مهم آن است. به نقل از پایگاه اطلاعاتی استاتیس‌تا^۲، از

1. North, Douglass C.

2. Statista – The Statistics Portal for Market Data, Market Research and Market Studies

سال ۲۰۲۲ با افزایش سه برابری تحریم‌ها علیه روسیه، تعداد تحریم‌های اعمال شده علیه این کشور توسط اروپا و آمریکا به ۱۹ هزار مورد تحریم رسید و تا قبل از این سال، ایران با بیش از ۵ هزار مورد، اولین کشوری بود که مورد تحریم واقع شده بود. سوریه و کره شمالی با بیش از ۲ هزار تحریم در رده‌های بعدی قرار گرفته‌اند. کشورهای بلاروس، میانمار و ونزولا هم در این فهرست جای دارند. این حجم از تحریم‌ها علیه چند کشور معدود، به روشنی بیانگر هم ناکارآمدی تحریم و هم اعمال تحریم بنا به اغراض غیرحقوقی و منفعت طلبانه بودن آن است.

۲-۵. گرایش جامعه بین‌المللی به رهیافت‌های اقتصادی

رفته‌رفته در بین بازیگران جامعه بین‌الملل این سوالات مطرح است که اولویت رهیافت‌های اقتصادی حقوق بشر و جایگاه آن در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و رعایت حقوق بشر در چه حدی است؟ آیا وجود رابطه مستقیم مناسبات بین اقتصاد و صلح و امنیت بین‌المللی و رعایت موازین حقوق بشری، پذیرفته شده است؟ آیا همانگونه که مسایلی از قبیل تهدید، تجاوز و مخاصمات مسلحانه در درجه اول اهمیت قرار دارد و سریعاً اقدامات عملی و بازدارنده در این خصوص اعمال می‌گردد، در مورد نقض موازین حقوق اقتصادی بشر نیز لازم است به همان اندازه و سرعت ترتیب اثر داده شود؟ وقتی که تعداد قابل توجهی از افراد در یک کشوری به دلیل محرومیت از حقوق اقتصادی خود از قبیل بیکاری، فقر، نداشتن مسکن و... رنج می‌برند، باید بدنبال تغییر سریع آن بود؟ وقتی اعلامیه جهانی حقوقی بشر مشتمل بر یک مقدمه و ۳۰ ماده به تصویب رسید، تمام حقوق و آزادی‌های مطرح شده در این سند را به عنوان یک مجموعه مستقل که قابل تفکیک از یکدیگر نمی‌باشند، معرفی کرد و رعایت و احترام حقوق بشر را در راستای استقرار صلح جهانی موثر دانست. مطابق میثاق جامعه ملل، ملل متحد باید در جهت گسترش مبانی عدالت اقدام کنند، روابط بین‌المللی خود را براساس عدالت و شرافت استوار سازند و از جنگ بپرهیزند. بعد از جنگ جهانی دوم، منشور ملل متحد، با ایمان به حقوق اساسی بشر، حیثیت و ارزش شخصیت انسانی و... تاکید می‌کند که باید آزادی، عدالت و صلح در جهان استقرار یابد. بنابراین، حقوق اقتصادی بشر پیوسته مرتبط به دیگر حقوق و آزادی‌های بشری است و در راستای استقرار صلح و امنیت جهانی همه آنها در کنار هم موثر می‌باشند.

۳-۵. ماهیت حقوق اقتصادی در حقوق بشر

حقوق بشر یا اساساً مجموعه‌ای از حقوق فردی می‌باشد و یا اینکه قابل فروکاستن به حقوق فردی است. در این صورت نزدیک‌ترین معنی حق در مورد حقوق بشر مفهوم «حق ادعا» ست (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۲، ص ۳۵). لازمه برخورداری از این حق، وظیفه خاص طرف مقابل است. هرگاه حق ادعای فرد ذی‌حق توسط فرد مقابل برآورده نشود، گفته می‌شود که حق او نقض شده و فرد مقابل به وظیفه

و تعهد خود عمل نکرده است. در نتیجه فرد ذی حق می تواند اعمال حق مربوط به خود را از طریق قانون تقاضا نماید. در این موقع آن را جزء «حق ادعاهای حقوقی» می دانند و اگر جزء «حق ادعاهای اخلاقی» باشد، ذی حق می تواند فرد مقابل را به خاطر عدم انجام وظیفه اخلاقی اش سرزنش نماید و در صورتی که حق ادعای اخلاقی توسط قانون حمایت شده باشد، علاوه بر سرزنش می تواند اجرای حق مربوط را نیز خواستار شود. پس، مفهوم حق در حقوق بشر که به معنای حق ادعاست و لازمه اش وجود وظیفه یا تعهد در طرف مقابل است، در یک طرف حق، افراد ذی حق بوده و در طرف دیگر دولت ها به عنوان طرف مقابل آن واقع هستند. به همین دلیل ادبیات حاکم بر اسناد بین المللی حقوق بشر در رابطه با دولت ها، ادبیاتی تعهدمدار و نسبت به افراد، ادبیاتی حق محور می باشد. پس، دولت در برابر افراد مکلف و متعهد است و افراد هم در برابر هم؛ اما افراد در برابر دولت ها ذی حق محسوب می شوند (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۲، ص ۳۵). حقوق بشر از جهت تعهداتی که دولت دارد، به دو دسته تعهد منفی و تعهد مثبت تقسیم می شود. تعهد منفی تعهد به خودداری و پرهیز از نقض حقوق افراد است. تعهد مثبت تعهد به فراهم کردن شرایط و انجام برخی از کارها از سوی دولت است. تعهد منفی شامل تعهد به ترک فعل و رفع موانع بوده و یک تعهد ایجابی است. تعهد مثبت شامل تعهد به فعل و برقراری حقوق مربوطه بوده و یک تعهد ایجابی است. نسل اول حقوق بشر (حقوق و آزادی های سیاسی - مدنی) نوعاً بر عدم مداخله دولت و دیگر افراد (تعهد به ترک فعل) تاکید دارد و نسل دوم حقوق بشر (حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) مستلزم مداخله و حمایت (تعهد به فعل) دولت ها است. برنامه توسعه ملل متحد^۱ نسبت به ریشه کن کردن فقر که مستفاد از حقوق بشر می باشد، تعهد دارد. بنابراین، با تلاش بر امحای فقر از طریق حمایت از ظرفیت ضد فقر حکومت ها و سازمان های اجتماعی و مدنی و با تضمین عملیاتی کردن فعالیت ها در جهت توسعه، کاملاً برای امحای فقر هماهنگ است.

۵-۴. فقر اقتصادی و حقوق بشر

فقر یک نقض حقوق بشر بوده و رهایی از فقر یک حق جدایی ناپذیر و بدون خدشه بشر می باشد. رهبران جهان در جریان اجلاس هزاره ملل متحد در سپتامبر ۲۰۰۰ میلادی، سلسله اهداف معین و زمان بندی شده ای را برای مبارزه با فقر، گرسنگی، بیماری، بی سواد، تبعیض بر علیه زنان و فرسایش محیط زیست مورد توافق قرار دادند که به «اهداف توسعه پایدار»^۲ نام گرفته اند. دولت های عضو ملل متحد در این اجلاس هزاره متعهد شدند تا سال ۲۰۱۵ به اهدافی دست یابند که اولین و مهم ترین آن، ریشه کنی فقر و گرسنگی شدید بود.

1. UNDP

2. SDGs

۵-۵. فقر به عنوان نقض حقوق بشر

براساس یک پژوهش جهانی، تا سال ۲۰۱۹ بیشتر جمعیت جهان در فقر زندگی می‌کنند. ۸۵ درصد مردم با کمتر از ۳۰ دلار در روز، دو-سوم مردم با کمتر از ۱۰ دلار در روز و ۱۰ درصد مردم با کمتر از ۱/۹۰ دلار یعنی فقر شدید زندگی می‌کنند. براساس گزارش گروه بانک جهانی در سال ۲۰۲۰، بیش از ۴۰ درصد از فقرا در کشورهای متأثر از جنگ زندگی می‌نمایند. با توجه به وضعیت مذکور مشخص است که کشورها برای رسیدن به اهداف خود در اعلامیه هزاره و اهداف توسعه جهانی MDG موفق عمل نکرده‌اند و آمارها نشانی از کاهش و یا کنترل فقر ندارد. با توجه به اهمیت موضوع، در بخش دوم این تحقیق، نظر و عملکرد کشورهای ثروتمند درباره این موضوع بررسی می‌شود، تا مشخص گردد که این کشورها تا چه حد به تعهدات خود در این باره عمل کرده‌اند.

۵-۶. رهایی از فقر، حق مسلم و جدایی‌ناپذیر بشر

رابطه فقر با حقوق بشر چیزی جز این نیست که در حقیقت فقر نتیجه و پیامدهای نقض حقوق بشر می‌باشد. فقر و نابرابری می‌تواند از طریق تقویت آشوب‌ها و ناآرامی‌های اجتماعی و نقض و افزایش مخاطرات حقوق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، موجبات تهدید و تجاوز و مخاصمات مسلحانه را فراهم نماید. فقرزایی هسته اصلی اهداف برنامه توسعه ملل متحد^۱ و هدف اولیه الگوی توسعه پایدار حقوق بشر می‌باشد. پذیرش رویکرد حقوق بشری در مورد فعالیت آن در خصوص فقرزایی به عنوان فعالیت‌های برنامه توسعه ملل متحد، با تحکیم حفاظت و ترفیع حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و امر توسعه حقوق، بسیار مهم است. حق بر زندگی دارای استاندارد مناسب، تأمین‌کننده آزادی اراده است و آن یک حق مسلم و غیرقابل انتقال بشری می‌باشد که در اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون امحای تمامی اشکال تبعیض نژادی، کنوانسیون امحای هرگونه تبعیض علیه زنان و کنوانسیون حقوق کودک مورد تأکید قرار گرفته است.

۵-۷. توسعه اجتماعی و عدالت اجتماعی

تصویب اعلامیه راجع به «حق توسعه» توسط سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۶، نقطه اوج یک روند طولانی از فعالیت‌های بین‌المللی در زمینه حقوق بشر بود. تحقق کامل حقوق مدنی و سیاسی بدون برخورداری از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ممکن نخواهد بود. جرقه تصویب حق توسعه توسط کمیسیون حقوق بشر در قطعنامه اجلاس ۳۳ به همین منظور یعنی رفع موانع کامل حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سال ۱۹۷۷ زده شد و در اجلاس ۳۷ در سال ۱۹۸۱ یک گروه کاری برای همین

امر اختصاص داده شد. قطعنامه شماره ۴ کمیسیون حقوق بشر ۱۹۷۹ صراحتاً حق توسعه را به عنوان یکی از حقوق بشر به رسمیت شناخت. نگرش‌های متفاوتی در مورد توسعه وجود دارد که عبارتند از: نظریه توسعه اقتصادی که عبارت است از افزایش سریع و پایدار تولید ناخالص ملی و توسعه آزادی فرد و دنبال کردن هدف‌های ارزشمند. با این حال توسعه در امور مختلفی از جمله اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و مدنی مطرح می‌باشد. در ماده ۱ (بند یک) اعلامیه حق توسعه آمده است که حق بر توسعه، یک حق مسلم بشری است که به موجب آن هر فرد انسانی و همه مردم از استحقاق مشارکت، سهیم شدن و برخورداری از توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی برخوردار می‌باشند، به نحوی که در آن همه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی کاملاً تحقق می‌یابد. مسئولیت اولیه برای اجرای حق توسعه برعهده دولت‌هاست و طرف ذینفع حق، افراد هستند. جامعه بین‌المللی وظیفه دارد همکاری کند تا دولت‌ها را به ایفای تعهداتشان قادر سازد. براساس حق بر توسعه که تحقق همه حقوق و آزادی‌های بشر به صورت کامل و برابر مورد انتظار است، برقراری نظم اقتصادی و اجتماعی مبتنی بر عدالت و برابری لازم است؛ به این صورت که مطابق ماده یک (بند ۱) حق توسعه، همه افراد در اقتصاد داخلی و بین‌المللی باید سهیم بوده و از توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی برخوردار باشند. فقر را باید کاهش داد، تا آنجا که به حداقل ممکن خود برسد، اما پرداخت وجه از طریق یارانه‌ها یا کمک‌های نقدی و جنسی، حق توسعه نیست. دادن فرصت اشتغال در سرمایه‌گذاری‌ها و سهیم شدن در تصمیمات اقتصادی به طور برابر با کشورهای پیشرفته و تنظیم اقتصاد جهانی به نفع همه، مورد نظر حق توسعه است. افزایش تولید سرانه، به انسان سلطه بیشتری بر محیط می‌بخشد و از این طریق آزادی او را افزایش می‌دهد. این سخنی است که امروزه دانشمندان اقتصاد به آن باور دارند. اما چنین فرایند رشدی باید برای همه محیا بوده و همه افراد در سطح برابر از سلطه بر محیط برخوردار باشند و برابری فرصت‌ها برای همه تضمین شود. براساس مواد اعلامیه حق توسعه، مسئولیت اولیه ایجاد شرایط ملی و بین‌المللی مناسب برای تحقق حق توسعه برعهده دولت‌هاست و این مسئولیت دولت‌ها که مکمل مسئولیت افراد است، اساساً ایجاد شرایطی برای تحقق حق توسعه است، و نه الزاماً تحقق عینی توسعه. اقداماتی که دولت‌ها برای ایجاد چنان شرایطی باید اتخاذ نمایند، در مواد مختلف و در قالب فعالیت‌های ملی و بین‌المللی بیان شده است (ماده ۳ اعلامیه). در سطح ملی، دولت‌ها حق و وظیفه دارند که سیاست‌های ملی مناسبی را برای توسعه تنظیم نمایند (ماده ۲ بند ۳). در سطح ملی، دولت‌ها باید کلیه تدابیر لازم را برای تحقق حق توسعه به کار گیرند و مشارکت مردمی را در تمامی سطوح تقویت کنند (ماده ۸ اعلامیه). دولت‌ها مکلف شده‌اند که در جهت رفع موانع توسعه، در نتیجه عدم رعایت حقوق مدنی و سیاسی و نیز حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گام بردارند، چون به اجرا درآمدن، گسترش و صیانت از این حقوق، از لوازم تحقق حق توسعه است (ماده ۶ اعلامیه).

۵-۸. توسعه پایدار حقوق بشر

توسعه یک فرایند جامعی می‌باشد که به سمت رسمیت کامل تمام قوانین حقوق بشری و آزادی‌های اولیه بشری در حرکت است. فقر میلیون‌ها نفر نتیجه محرومیت آنان از حقوق بنیادین و اولیه بشری است و در نتیجه، این افراد از مشارکت در جوامع محروم می‌باشند. الگوی توسعه پایدار بشر یک استراتژی کل‌نگر در توسعه بوده که تمام حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و سیاسی بشر را دربرمی‌گیرد. برخلاف دیدگاه سنتی که حقوق بشر را فقط شامل حقوق مدنی و سیاسی می‌داند، در دیدگاه رایج، حقوق بشر چندبعدی و کلی‌گرا است. هدف توسعه پایدار بشر از بین بردن فقر، ارتقاء کرامت بشری و فراهم ساختن یک موقعیت برابر برای دستیابی به منابع عمومی و دولتی در مورد همه افراد انسانی است. در کل، توسعه پایدار، رسمیت یافتن تمام حقوق بشر اعم از حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و سیاسی را ترویج می‌نماید. جایی که اکثریت تعداد افراد در حقارت و پستی فقر زندگی می‌کنند، ممکن نیست که گامی در توسعه برداشته شده باشد.

۵-۸-۱. عناصر توسعه

در نظام‌های مختلف، بدلیل وجود دیدگاه‌های مختلف، عوامل متعددی به عنوان عناصر توسعه معرفی شده‌اند.

الف) رفاه عمومی و فقرزدای

وضعیت معیشتی باید به گونه‌ای باشد که تمامی آحاد جامعه با کل جهان از امکانات زندگی در تمام زمینه‌های بهداشت، درمان، تغذیه، آموزش، مسکن، شغل و غیره برخوردار باشد و این امر مستلزم رفع فقر از جامعه است.

ب) کنترل و تعدیل ثروت و منابع

در یک جامعه نباید تفاوت خیلی فاحشی بین افراد از نظر برخوردار از مواهب اقتصادی و منابع باشد. البته بدیهی است که تفاوت افراد در دستیابی به مال و ثروت، انکارناپذیر می‌باشد و مقصود، بیشتر تفاوت‌هایی است که در نتیجه عوامل قهری بوده و بر افراد به خاطر وضعیت طبقه اجتماعی یا اقتصادی تحمیل می‌گردد. در غیر این صورت اغنیاء سرمست ثروت‌اندوزی شده و فقرا گرفتار بدبختی‌های نداری می‌شوند و روز به روز هم وضعیت آنان بدتر از قبل می‌گردد. به نظر می‌رسد انباشت ثروت در برخی از افراد، نه به خاطر تلاش بیشتر آنان یا استحقاق بیشتر آنان است، بلکه در نتیجه عدم پرداخت حقوق مالی عمومی یا خصوصی دیگران و یا تصاحب غیر مشروع آن است. در اینجاست که دولت وظیفه دارد مانع از این نوع تکاثر ثروت شوند و اموال دیگران را به خودشان مسترد نمایند. در شریعت اسلام راهکارهای کارآمدی به همین منظور در نظر گرفته شده و آن همان تکلیف افراد به پرداخت خمس و زکات می‌باشد. قرآن کریم حقی برای فقرا در اموال اغنیاء قائل شده (معارج، ۲۴-۲۵)

و آنان که این حق را نپردازند، به عنوان سارق اموال فقرا معرفی شده‌اند^۱ (نوری طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱).

۵-۹. عدالت اجتماعی

عدالت، گردونه اصلی حیات بشریت بوده و خاصیت حیات، اعتلا و رشد و تکامل است. هر جامعه‌ای که عدالت در آن حاکم باشد، محال است که به قهقرا و سقوط بیانجامد. سقوط یک تمدن و متلاشی شدن یک اجتماع چه در سطح داخلی کشورها و چه در سطح بین‌الملل و جامعه بین‌المللی از موقعی شروع می‌شود که تعدی، تجاوز و تبعیض شروع به گسترش می‌نماید؛ خواسته‌های اساسی و حقوق ذاتی مردم مورد بی‌مهری و بی‌عدالتی واقع شده و استثمار انسان‌ها و بهره‌کشی از آنان شیوع پیدا می‌کند. روند عمومی حرکت و تکامل یک جامعه، مستقیماً مرتبط با روند رشد و شکوفایی کل جهان و جوامع دیگر است. بنابراین، بین عدالت اجتماعی و توسعه در کل چه در یک جامعه و یا در کل جهان، یک ارتباط تنگاتنگ وجود دارد و در سایه گسترش عدالت، امکان دستیابی به ابعاد گوناگون توسعه فراهم می‌گردد و شاید به همین دلیل باشد که علی (ع) می‌فرماید: «فَانَّ فِي الْعَدْلِ سَعَةٌ»؛ یعنی «همانا توسعه در گروه عدل می‌باشد». ارسطو عدالت را نوعی تناسب می‌داند. به نظر ایشان در یک حکومت ایده‌آل، شکل حکومت چندان مهم نیست، بلکه فقط باید سران حکومت در پی اجرای قانون، عدالت و آسایش مردمان باشند (کلی، ۱۳۸۲، ص ۶۶-۶۹). خواجه نصیرالدین طوسی با تجزیه امور به اخلاق، تدبیر منزل و سیاست معتقد است که چون خواسته‌های هر انسانی با دیگری متفاوت است، تضاد منافع و در نتیجه ظلم و تجاوز پدید می‌آید. بنابراین، اجرای عدالت و وظیفه عمده هر حکومتی است و در رأس حکومت هم باید ملکی عادل قرار بگیرد و وی بعد از سیاست الهی (ناموس) دومین حاکم محسوب می‌شود (شریف، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۸۱۴-۸۱۵). در قرآن کریم، عدالت اجتماعی به صورت یک اصل بنیادین مطرح و به آن امر شده است (نحل، ۹۰) و حتی امر می‌کند که با دشمنانتان به عدالت رفتار نمایید (مانده، ۸). قرآن کریم هرچه را موجب فساد و تباهی و برهم خوردن روحیه عدالت شود، فسق نامیده و تحریم می‌کند. به طور کلی وقتی در قرآن کریم به عدالت تاکید می‌شود، منظور عدالت اجتماعی فراگیر در همه بخش‌ها است. خمس، صدقه و زکات که ماهیتی کاملاً اقتصادی دارند، به منظور تأمین عدالت و توازن اقتصادی است و جنبه عبادی نیز دارد. یعنی، موجب قرب به خداوند متعال است. در حقیقت، رشد همه مسایل اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی و سایر مسائل، کاملاً با اقتصاد آمیخته بوده و مستقیماً از آن تاثیر می‌پذیرد.

۱. «قال رسول الله (ص): ثَلَاثَةٌ لَا تَقْطَعُ فِيهِمُ السَّرِقَةُ: السَّارِقُ مِنْ مَالِ اللَّهِ، وَالسَّارِقُ مِنْ مَالِ الْجَارِ، وَالسَّارِقُ مِنْ مَالِ الْيَتِيمِ؛ سه کس هستند که در موردشان حدّ سرقه اجرا نمی‌شود: دزد از مال خدا، دزد از مال همسایه، و دزد از مال یتیم» (نوری طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص ۳۸۰).

۵-۱۰. حاکمیت خوب و توسعه صلاحیت آن

برنامه توسعه ملل متحد راجع به حاکمیت برای توسعه پایدار بشر، حاکمیت را اعمال اقتصاد و سیاست و صلاحیت اداری برای مدیریت امور کشور در تمامی سطوح می‌داند. حاکمیت خوب حاصل مشارکت، شفافیت و پاسخگویی است و صدای فقیرترین و آسیب‌پذیرترین افراد را در تصمیم‌گیری‌های راجع به اختصاص منابع توسعه می‌شنود.^۱ براساس اعلامیه حقوق بشر، هرکسی حق دارد تا در حاکمیت کشورش به طور مستقیم یا از طریق انتخاب آزادانه نمایندگان سهمی داشته باشد.

۵-۱۱. مالکیت معنوی

از دهه ۱۹۴۰، مدافعان حقوق بشر از داشتن موقعیت مهم برای مالکیت معنوی حمایت کرده‌اند. در اسناد مؤسس تمامی نهادهای بین‌المللی حقوق بشر، حقوق مالکیت معنوی پذیرفته شده است. سازمان جهانی مالکیت معنوی^۲ در سال ۱۹۷۴ جزو نهادهای تخصصی سازمان ملل متحد شد. سخنگویان سازمان جهانی مالکیت معنوی و سازمان ملل، بارها مالکیت معنوی را به عنوان یک پیش‌شرط برای حقوق بشر دانسته‌اند (ایر، ۱۳۸۷، ص ۴۵). میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، خطوط کلی بسیاری از مقررات ضروری برای رسیدن به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را ترسیم کرد و پیشنهادهای برای تدوین تدریجی این حقوق در سطوح ملی و بین‌المللی ارائه داد. در خصوص مالکیت معنوی، این میثاق در ماده ۱۵ بخش (۱) آورده است: «هرکسی حق دارد ... از حمایت منافع معنوی و مادی حاصل از هر تولید علمی، ادبی و یا هنری که خود مبدع آن بوده، بهره ببرد».

۵-۱۲. درگیری‌های مسلحانه و حقوق بشر

باید قبول کرد که نقش حقوق بشر به عنوان تقویت افراد و جوامع می‌باشد. از طریق حمایت از این حقوق می‌توانیم از رخ دادن بسیاری از درگیری‌هایی که بدلیل فقر، تبعیض نژادی و محرومیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی پیش می‌آیند، جلوگیری کنیم. درگیری‌هایی که ادامه آن موجب بلای عظیم برای بشریت بوده و موجب نابودی تمام تلاش‌های به عمل آمده برای توسعه بشریت می‌گردد. باید این حوزه بدسگال از نقض‌های حقوق بشر که منتهی به درگیری‌ها است، شکسته شده و از بین برود. فقر و نابرابری اقتصادی از عوامل اصلی شورش‌های داخلی و جنگ‌های داخلی هستند. به‌عنوان مثال، بحران‌های سوریه و یمن نشان داده‌اند که محرومیت اقتصادی می‌تواند به اعتراضات خشونت‌آمیز و

1. A UNDP policy document, United Nations Development Programme, January 1998, the United Nations Development Programme, One United Nations Plaza, New York, NY 10017, USA

2. WIPO

درگیری‌های مسلحانه دامن بزند. همچنین، محرومیت از حداقل‌های معیشتی، موجی از مهاجرت‌های غیرقانونی را ایجاد می‌کند که خود موجب تنش‌های سیاسی بین کشورها و افزایش گرایش به افراطی‌گری می‌شود. تحقیقات نشان می‌دهند که گروه‌های تروریستی مانند داعش، از ناامیدی اقتصادی جوانان در مناطق محروم برای جذب نیرو استفاده می‌کنند.

۶. نتیجه‌گیری

این پژوهش با بررسی رهیافت‌های اقتصادی حقوق بشر، به واکاوی ارتباط عمیق میان نقض حقوق اقتصادی و تهدید صلح و امنیت بین‌المللی پرداخت. یافته‌ها نشان می‌دهد که نابرابری‌های اقتصادی، فقر ساختاری و محرومیت از حداقل‌های معیشتی، نه تنها کرامت انسانی را زیر پا می‌گذارند، بلکه با ایجاد ناآرامی‌های اجتماعی، خشونت‌های سیاسی و درگیری‌های مسلحانه، ثبات جهانی را تهدید می‌کنند. در واقع، حقوق اقتصادی بشر - از جمله دسترسی به شغل، مسکن، آموزش و بهداشت - پیش‌شرطی اساسی برای تحقق سایر حقوق مدنی و سیاسی است و نقض آن‌ها چرخه‌ای معیوب از ناامنی و بی‌عدالتی را دامن می‌زند. با وجود تصویب اسنادی مانند میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و تشکیل نهادهایی مانند شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد، نظام بین‌المللی در عملی‌سازی این حقوق ناکام بوده است. تحریم‌های یک‌جانبه، سیاست‌های نئولیبرالی تشدیدکننده نابرابری، و ضعف مکانیسم‌های نظارتی بین‌المللی، از جمله چالش‌های پیش‌رو هستند. این پژوهش تأکید می‌کند که سازمان ملل متحد و نهادهای وابسته باید با اتخاذ رویکردی «حقوق‌بنیاد» به توسعه، اصلاح ساختارهای اقتصادی ناعادلانه را در اولویت قرار دهند. برای نمونه، مشروط کردن کمک‌های مالی و تجاری به رعایت استانداردهای حقوق بشر، تقویت مسئولیت شرکت‌های فراملی، و ایجاد دادگاه‌های تخصصی برای رسیدگی به نقض حقوق اقتصادی می‌تواند گام‌هایی مؤثر باشد. تحقق «عدالت اقتصادی» تنها یک آرمان اخلاقی نیست، بلکه ضرورتی عملی برای تضمین صلح پایدار است. پافشاری بر تفکیک سنتی میان حقوق مدنی-سیاسی و حقوق اقتصادی-اجتماعی، امروزه دیگر قابل دفاع نیست. همان‌گونه که فقر می‌تواند جرقه جنگ را بزند، تضمین معیشت نیز می‌تواند سنگ‌بنای جامعه‌ای عاری از خشونت باشد. بنابراین، پژوهش‌های آتی باید به مدل‌های جایگزین مانند اقتصاد مشارکتی، مالیات‌های پیش‌رو بر ثروت، و بازتعریف «امنیت انسانی» در چارچوب حقوق بشر بپردازند. تنها با نگاهی کل‌نگر و عدالت‌محور می‌توان از تبدیل حقوق اقتصادی به شعارهایی تهی جلوگیری کرد و آن‌ها را به ابزاری برای تغییر ساختارهای ظالمانه تبدیل نمود.

منابع

قرآن کریم.

ایر، کارین (۱۳۸۷). چه کسانی صاحبان فرهنگ ما هستند؟ مالکیت معنوی، حقوق بشر و جهانی شدن. ترجمه مهدی ذاکریان. پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

رضایی، حسین (۱۳۹۸). پویایی سیستمی تورم، شکاف طبقاتی و عدالت اجتماعی. *مطالعات اقتصاد اسلامی*، ۱۲(۱). نوری طبرسی، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. مؤسسه آل‌البیته (ع) لاحیاء التراث، ج ۱۱.

زبردست، شراره (۱۴۰۲). تحلیل و بررسی تحریم‌های بین‌المللی و آسیب‌های آن بر حقوق بشر. *رهیافت‌های نوین در مطالعات اسلامی*، ۵(۱۴).

شریف، م. م. (۱۳۶۲). *تاریخ فلسفه در اسلام*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ج ۱. عباسی، مجید؛ سرخیل، بهنام (۱۳۹۵). بازخوانی حقوق بشر از منظر نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی؛ رویکرد فرهنگی. *تحقیقات حقوق شهروندی*، ۱(۱).

قاری سید فاطمی سید محمد (۱۳۸۲). *حقوق بشر در جهان معاصر*. تهران: انتشارات دانشکده حقوق شهید بهشتی.

کلی، جان (۱۳۸۲). *تئوری حقوقی در غرب*. ترجمه محمد راسخ. انتشارات طرح نو.

A UNDP policy document, United Nations Development Programme, January 1998. The United Nations Development Programme, One United Nations Plaza, New York, NY 10017, USA.

Acemoglu, D. & Robinson, J. (2012). *Why Nations Fail: The Origins of Power, Prosperity, and Poverty*. Crown Business.

Alston, P. (2005). *Human Rights and Development: Towards Mutual Reinforcement*. Oxford University Press.

Becker, G. (1964). *Human Capital: A Theoretical and Empirical Analysis*. University of Chicago Press.

CESR, Amnesty International, Financial Transparency Coalition, Human Rights Watch, Wellbeing Economy Alliance, GI-ESCR, and Tax Justice Network. *What are Human Rights Economies? A Joint Working Paper*. New York: Center for Economic and Social Rights, 2025. https://www.cesr.org/sites/default/files/2025/HRE_briefing_mar12.pdf.

Fukuda-Parr, S., Lawson-Remer, T. & Randolph, S.E. (2008). *Measuring the Progressive Realization of Human Rights Obligations: An Index of Economic and Social Rights Fulfillment*. Economic Rights Working Papers. University of Connecticut.

Human Rights Watch (2020). India: COVID-19 Lockdown Puts Poor at Risk. *Human Rights Watch*.

URL= <https://www.hrw.org/news/2020/03/27/india-covid-19-lockdown-puts-poor-risk>.

International Labour Organization (ILO). (2021). *Trade and decent work: Indicator guide*.

URL= <https://www.ilo.org/wcmsp5/groups/public/---dgreports/--->

inst/documents/publication/wcms_819024.pdf

- Kaul, I. & et al. (2003). *Providing Global Public Goods: Managing Globalization*. Oxford University Press.
- Klein, N. (2007). *The Shock Doctrine: The Rise of Disaster Capitalism*. New York: Metropolitan Books.
- Milanovic, B. (2016). *Global Inequality: A New Approach for the Age of Globalization*. Cambridge, MA: The Belknap Press of Harvard University Press.
- Sen, A. (1999). *Development as Freedom*. Oxford University Press.
- Stiglitz, J. (2012). *The Price of Inequality: How Today's Divided Society Endangers Our Future*. W.W. Norton & Company.
- Stiglitz, J.E. (2002). *Globalization and Its Discontents*. New York: W. W. Norton & Company.
- United Nations Environment Management Group (2011). *Working Towards a Balanced and Inclusive Green Economy: A United Nations System-wide Perspective*. Geneva: United Nations Environment Management Group.
- World Bank (2018). *Poverty and Shared Prosperity 2018: Piecing Together the Poverty Puzzle*. Washington, DC: World Bank.

